

عید سعید غدیر خم بر تمامی مسلمانان مبارک باد.

# اخلاق

۲۹

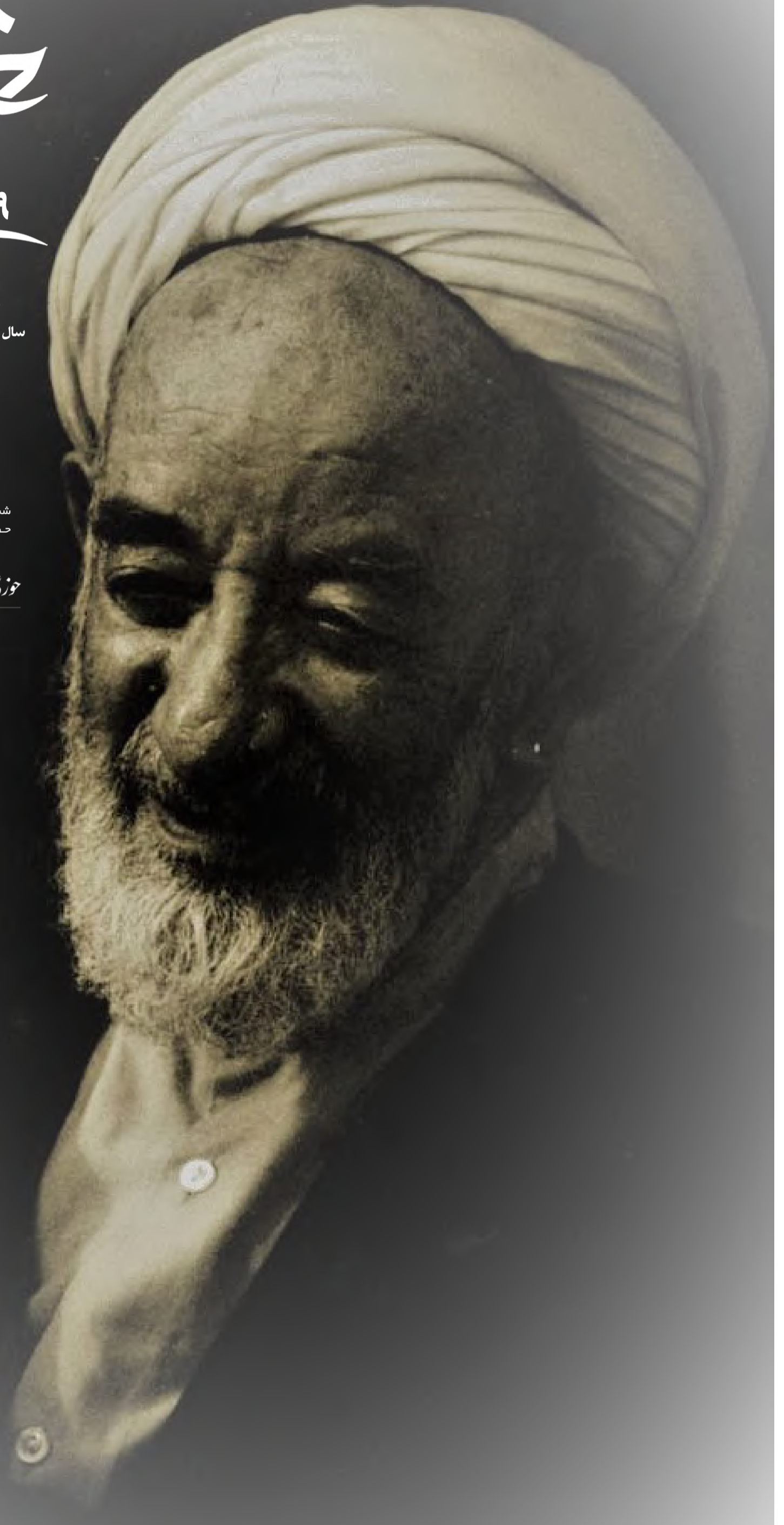
امام خمینی علیه السلام: در راس همه امور تهذیب نفس است.  
سال اول / شماره بیست و نهم / هفته سوم ذی الحجه ۱۴۴۳  
هفته چهارم تیر ۱۴۰۱

## داداش جون

ششمین جلسه از سلسه بزرگداشت های علمای ربانی  
حضرت آیت الله امیرزا عبد الکریم حق شناس رحمته الله علیه

حوزه علمیه آیت الله حق شناس

حوزه علمیه مجازی اخلاق



## وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ﴿٤٥﴾

**بیانات حضرت آیت الله حق شناس رحمته علیه پیرامون آیه شریفه**

**﴿۴۵﴾ سوره مبارکه عنکبوت :**

اگرچه این آیه را مفسرین معنا کرده‌اند؛ اما بعضی از تفسیرهایشان رضایت بخش نیست. حضرات صوفیه خذَلَهُمُ اللَّهُ می‌گویند؛ مثلاً اگر ما بنشینیم دور هم و ذکر «یا هو، یا علی» بگوییم، این ذکر افضل از نماز است! خود خدا فرموده: نماز از فحشا و منکر نهی می‌کند؛ «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ». اما این شاء الله تفسیر درست این است که یکی از اثرات نماز بازداشتن از فحشا و منکر است و اثر بزرگ‌تر آن چیست؟ این است که شما را به یاد خدا می‌اندازد. آخر، هر بخش نماز، شما را به یاد خدا می‌آورد. قرائت حمد و سوره، رکوع، سجود، اذکار و ادعیه، این همان خاصیت است؛ یعنی علاوه بر اینکه جنبه رفع مانع دارد، به نحو احسن ایجاد مقتضی می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا».

خب ببینید آقا! آن وقت در اینجا می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ؛ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؟ فَيَقْدِرُ مَا مَنَعَتْهُ قَبْلَتْ مِنْهُ»؛ ببیند نماز چقدر نهی از فحشا و منکر می‌کند، به همان اندازه، نمازتان قبول شده است. این حدیث هم برای آن‌هایی است که درست وارد نماز می‌شوند. حضرت علیه السلام فرمودند: «الصَّلَاةُ مِيزَانٌ»؛ نماز ترازو است؛ میزان زحمات شما را در نماز ارائه می‌کنند.

امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید:

کسی که یک رکعت نماز را با حضور قلب می‌خواند و در رکعت دوم، ذهن و قلبش شلوغ می‌شود، این فرد به قدر یک رکعت زحمت کشیده است. یکی، دو رکعت، یکی، سه رکعت و یکی، چهار رکعت و بعضی‌ها هم هستند که به نمازشان هیچ توجهی ندارند. در روایات دارد که این چنین نمازی، مانند خرقة و کهنه درهم پیچیده می‌شود و به روی صاحبش زده می‌شود. خدا نکند که ما جزو آن‌ها باشیم. این شاء الله از کسانی باشیم که لا اقل یک رکعت نمازمان با توجه باشد. به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد جوانی از انصار گفتند: یا رسول الله این جوان گناهکار است.

خیلی کارها می‌کند؛ ولی در عین حال، نمازش را هم می‌خواند، البته قشنگ هم می‌خواند. حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دَعَاهُ إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا»؛ نماز بالاخره یک روز زورش می‌رسد و او را از این گناه باز می‌دارد. طولی نکشید که به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند: آنچه فرمودید، اتفاق افتاد و این شخص جزو عبّاد و زهّاد شد. همین که گرفتار خطا بود، همین که گناه می‌کرد، همین که فلان کار را می‌کرد، توبه کرد و از عبّاد و زهّاد شد. در روایت دیگری آمده: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ اللَّهُ»؛ نماز، ستون دین است. اگر عمود و ستون خیمه بشکند، پایین می‌آید و اعمال دیگر نتیجه ندارد.

نماز، «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ» است؛ اولین چیزی است که از اعمال بنده محاسبه می‌شود. «فَإِنْ قُبِلَتْ قَبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ»؛ اگر نماز قبول شود، سایر اعمالش نیز قبول می‌شود و اگر نماز رد شود، سایر اعمال هم رد می‌شود. در قیامت ملائکه می‌آیند و می‌گویند:

بررسی کنید نمازش چطور است؟

این بود که امام رضا علیه السلام فرمودند: بعد از شناخت پروردگار عزیز صلی الله علیه و آله و سلم، عملی بالاتر از نماز نمی‌شناسم.

حالا هی نمازت را از اول وقت عقب بینداز! وقتی هم که می‌آی و قرائتت را می‌خوانی، بعد از چهل سال: الحمد لله قرائتت می‌کنی! نماز صحیح به دردت می‌خورد! همین نماز آن دزدها را نجات می‌دهد؛ همین نماز، گناهکاران را جزء عبّاد و زهّاد می‌کند. در مجمع البیان از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌فرماید: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُطِيعِ الصَّلَاةَ وَطَاعَةَ الصَّلَاةِ أَنْ يَنْتَهِيَ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛ اگر عمل بد، غیبت و نظریه نامحرم کنید، شما از نماز اطاعت نکرده‌اید؛ یعنی نمازش، نماز نیست؛ اطاعت خود نماز آن است که نهی آن را که از فحشا و منکر است به کار ببندید.

پروردگار می‌داند که شما نماز و ذکر او را چطور در خارج به جا می‌آورید و این شاء الله همه شما را بر وفق کردار و عمل خودتان پاداش خواهد داد.

**عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام : «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ رُشْدَهُ وَوَقَّهَ لِبَطَايِعِهِ».**

وقتی که پروردگار بخوهد کسی را ارائه طریق کند، به قلبش می‌اندازد. داداش جون! یک قدم که شما بروید، پروردگار ده قدم به سوی شما رو می‌آورد.



**عَنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ علیه السلام :**

**«أَبْكِي لِخَصَلَتَيْنِ هَوْلِ الْمَطَّلَعِ وَفِرَاقِ الْأَحَبَّةِ».**

هول مطلع آن است که پروردگار از اعمال تو اطلاع دارد؛ یعنی در قیامت، یک موقعیتی فراهم می‌شود که تو هستی و خدا؛ والسلام.

یکی یکی تذکر می‌دهد که در فلان صحنه این کار را کردی، در فلان ساعت این راه را رفتی و...! این موقف بسیار سنگین است و شاید در قیامت صحنه‌ای سنگین‌تر از آن نباشد.

**أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ علیه السلام :**

**«تَعَلَّمَ الْعِلْمَ النَّافِعَ. قَالَ: مَا الْعِلْمُ النَّافِعُ؟ قَالَ:**

**أَنْ تَعْرِفَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ كِبْرِيَائِي وَ كَمَالَ**

**قُدْرَتِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَهَذَا الَّذِي يَقْرَبُكَ إِلَيَّ».**

من هرچه بگویم: علم، کسی که علم اصول می‌خواند زور می‌آورد به علم اصول، آن کس که فیزیک یا شیمی می‌خواند، زور می‌آورد به فیزیک و شیمی؛ اما هیچ‌کدام از این‌ها علم نافع نیست؛ این‌ها تمام‌شان طریقت دارد، آنچه موضوعیت دارد، آن علمی است که ما را به پروردگار نزدیک کند.

**عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم : «طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ».**

هم «مُسْلِم» در آن آمده و هم «مُسْلِمَة»؛ علم هم یعنی علم به احوال نفس، علم به احوال روحیات خودتان، علم به احوال دل و قلبتان. این قلب ظاهری با نفس ناطقه انسان مناسبت دارد که اگر انسان خدای ناکرده گناه انجام دهد، هم قلب درونی‌اش مسخ می‌شود و هم قلب صنوبری عضلانی او گناه را احساس می‌کند و در حجاب می‌رود.

**عَنِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ علیه السلام : «أَوْلَى الْعِلْمِ بِكَ مَا لَا يَصْلُحُ لَكَ الْعَمَلُ إِلَّا بِهِ وَ**

**أَوْجَبَ الْعِلْمُ عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنِ الْعَمَلِ بِهِ».**

شایسته‌ترین علم برای تو، آن علمی است که عملت جز با آن اصلاح نمی‌شود و واجب‌ترین علم برای تو، آن علمی است که درباره آن از تو سؤال می‌شود. یعنی این علمی که من یاد گرفتم، درباره آن از من سؤال می‌شود؛ پس باید علم را از عالم ربانی بگیرم، نه هرکس.



# فراشات حضرت آیت الله حق شناس

مَرْحَمَةُ اللَّهِ تَعَالَى

## خطورات

آن وقتی که این مرد خبیث، لحظات آخر را می‌گذرانید، هر چه می‌گفتند بگو: «أشهد أن لا إله الا الله، أشهد أن محمدا رسول الله»، همان حرف زن را می‌زد و می‌گفت: حمام منجاب کجاست؟ و به همین شکل از دنیا رفت و عاقبت به شر شد. بناء علی هذا، اولیای خدا از چیزی که خائف بودند، این خطورات ذهنیه است که ممکن است باعث سوء عاقبت شود. باید ذهن و قلب شما در اثر توجه به پروردگار از این خطورات خالی و پاک شود.

تمام افکاری که انسان در حال حیات دارد، در لحظه مرگ جلوه می‌کند. شما دیده‌اید که وقت خواب - خصوصاً اگر قدری هم مزاج انسان ضعیف باشد - افکار روز در فکر انسان جلوه‌گری می‌کند؛ موت هم شبیه به این است و تمام افکاری که زننده، خلاف و ناروا است، در آن هنگام تجسم پیدا می‌کند. حال کسی که نمی‌توانسته در بیداری این خیالات را از خود دور کند، الآن می‌تواند در لحظه جان دادن و تحت فشار شدید مرگ و وسوسه شیطانی، از این تفکرات رها شود؟! لذا با توجه به این افکار، جان می‌سپارد! این هم یکی از علل سوء خاتمه است. این است که من به آقایانی که تحصیل می‌کنند تذکر می‌دهم که مواظب خطورات ذهنشان باشند.

مقابله می‌کند؛ اما تو شیر مردی ولی سگ ابلیس تو را صید کرده و خاطرات تو را مشغول کرده است!

### خطورات ذهنی، دم مرگ به سراغت می‌آیند!

یکی از علل سوء خاتمه که بیشتر مربوط به جوان‌هاست، این است که انسان افکار بد را در ذهنش دنبال کند. مثلاً به کارت پستالی آن چنانی نگاه کرده، حالا شکل فلان زن مدام برایش مجسم می‌شود و... دائم با خیالات و خاطرات خودش معاشقه کند! پناه می‌برم به خدا. این هم از موجبات سوء عاقبت است.

بین داداش جون! محدث زاده واعظ - خدا رحمتش کند - او قضیه «حمام منجاب» را می‌گفت که یک زن مسلمان و نجیب به دنبال حمام آمده بود، دید یک مردی کنار دری ایستاده است؛ به او گفت که آقا حمام منجاب کجاست؟ گفت: بفرمایید، همین جاست و او را به داخل خانه خودش راهنمایی کرد. زن بیچاره را اغفال کرد؛ آن زن فوق العاده زرتنگ بود، گفت: خیلی خب! هر کاری که شما بگویید می‌کنم، اما من حالا گرسنه‌ام؛ قدری نان و پنیری، مخلفاتی برای ما تهیه کنید. از آنجایی که حب دنیا انسان را کور و کر می‌کند، مرد گفت خیلی خب! رفت برای تهیه کردن نان و پنیر و یادش رفت در را ببندد. وقتی نان و پنیر را گرفت و آمد، دید زن نیست! این حادثه برای او یک حسرت شد.

### منظور از خطورات شیطانی چیست؟!

در احیاء الأحياء دارد که بنده، باید مراقب ذهنش هم باشد تا خطور ناصحیحی پیدا نکند؛ یعنی علاوه بر اینکه مراقب است تا در مقام ظاهر، مناظر محترمه را نبیند، غیبت کسی را نشنود و حرف بدی نزند و تمام خطورات قلبیه و ذهنیه‌اش را نیز مواظبت کند که اگر شیطانی بود، از بین ببرد؛ «إِنْ كَانَ شَيْطَانِيَا فَبَادِرْ إِلَي قَمْعِهِ».

### خطورات نیز در محضر پروردگارند!

عرض کردم: «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛ یعنی آن خطوری که در ذهنت می‌آید مثلاً فلان زن اجنبیه را ببینی، همه در حضور و محضر پروردگار است؛ هم خودت و هم خطورات ذهنی‌ات. مبادا غفلت کنی! شما این قدر سحرخیزی و توجه به مقام اقدس پروردگار ندارید که بتوانید جلوی خطورات شیطانی ایستادگی کنید. درست است که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»؛ اما این را هم گفته‌اند: با شیر مردی‌ات، سگ ابلیس صید کرد ای بی‌هنر! بمیر که از گربه کمتری گربه وقتی می‌خواهد از خودش دفاع کند، با چهار تا سگ

## توسل

### برای وزن معنوی خود توسل کنید

یک شب عرض کردم که از در مسجد ترازوی بزرگی آوردند و گفتند: ما این ترازو را آوردیم که آقایان را وزن کنیم! با آن ترازو که وزن جسمتان را نمی‌کشند! بلکه می‌خواهند معنویات شما را بسنجند و بکشند. عزیز من، توسل به حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت عصمت علیهم السلام هم برای این است که موفقیت برای شما حاصل شود.

### توسل حیوانات به اهل بیت علیهم السلام

به امام باقر علیه السلام عرض کردند: آقا گرگ آمده است، همه فرار کردند! حضرت علیه السلام فرمود: این گرگ با من کار دارد، با کسی کاری ندارد. گرگ آمد با زبان خودش با حضرت علیه السلام صحبت کرد و عرضه داشت: گوشت و پوست شیعیان شما بر ما حرام است.

### دردهایت را به امام عصر بگو!

باید بگویی: همه چیز را خدا تکفل کرده است: «كَفَّلَ الْإِلَٰهُ بِرِزْقِ كُلِّ بَرِيَّةٍ» و از امام زمان عجل الله تعالی فرجه بخواهی! آقا همان طور که طبیب جسمانی معالجه می‌کند، طبیب روحانی هم معالجه می‌کند: طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک چو درد در تو نبیند که را دوا بکند؟ تو باید بیایی دردت را ابراز کنی و دوا بخواهی! چطور وقتی پوست دستت زبر می‌شود، می‌گویی بروم پیش طبیب پوست، اگر یک صدم این، متوجه مقام روحت بودی، چه میش گفت: گر آن‌ها که من گفتمی کردمی نکو سیرت و پارسا بودمی

من برای حاجتی به در خانه شما آمده‌ام؛ ماده من در این کوه است؛ دعا کنید که او به سلامت فارغ شود. حضرت علیه السلام فرمودند: برو، فارغ می‌شود. گنجشک آمد خدمت حضرت رضا علیه السلام و گفت: یابن رسول الله علیه السلام! من در گوشه‌ای تخم می‌گذارم، اما ماری می‌آید و تخم‌ها را می‌خورد. حضرت علیه السلام فرمود: برو، دیگر مار نمی‌آید! تمام شد آقا چون من! آن‌ها متصرف در کائنات هستند. چون فرمود: «إِزَادَةُ الْكَرْبِ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَ تَضُدُّ مِنْ نُيُوتِكُمْ». البته این را هم فرموده‌اند که: «لَا تَجْعَلُونَا أَرْبَابًا وَ قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ»؛ ما را رب ندانید و درباره فضیلت ما هر چه می‌توانید بگویید! پس آقا وقتی زیارت عاشورا می‌خوانی، اصلاً لال شو، اصلاً انگار چیزی نمی‌شنوی.

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین محمود زرین پر مدیر حوزه علمیه آیت الله حق شناس رحمته علیه

## از حاج آقای حق شناس رحمته علیه چه خبر؟



اقرار آمیز نیست بگویم بزرگان و عالمان تحت تربیت استاد یا استادانی قرار گرفته اند که محرک اصلی آن ها بودند.

در میان این بزرگان اسم فردی به چشم می آید که با تمام توان به سرمشق های اساتیدش عمل کرده و علاوه بر این تربیت شاگردان را سرلوحه خود قرار داده بود.

حضرت آیت الله امیرزا عبدالکریم حق شناس رحمته علیه علاوه بر تربیت صحیح و فهم دقیق معارف و عمل به آنها توانست در اوج سختی ها و اوضاع بد اوایل انقلاب با تاکید استادش امام خمینی رحمته علیه درس اخلاق خودش را شروع کند و ماحصل ونتیجه اش شود جوانان تربیت یافته مکتب اهل بیت علیهم السلام همچون: مفقود الاثر احمد متوسلیان، شهید احمدعلی نیری و...

برای آشنایی بیشتر با شخصیت بی انتهای حضرت آیت الله امیرزا عبدالکریم حق شناس رحمته علیه پرداختیم به گفت و گو با مدیر حوزه علمیه آیت الله حق شناس رحمته علیه که این روزها سرگرم به تربیت و پرورش طلاب علوم دینی هستند.

متن کامل مصاحبه:

● **آثاری که از حاج آقای حق شناس رحمته علیه برجای مانده است، چه تاثیری بر روی طلاب می گذارد؟**

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَوَلِيّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَنَاصِراً وَدُليلاً وَعَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

اولاً بنده به خاطر مسئولیتی که داخل مدرسه و حوزه علمیه دارم، گاهی باید در مورد مرحوم حاج آقای حق شناس رحمته علیه صحبت کنم. تقریباً هم سعی کرده ام به وظیفه خودم عمل کنم و معمولاً به دوستان این مورد را عرض کرده ام که واقعاً در جایگاه و حد و اندازه این نیستم که راجع به مرحوم حاج آقای حق شناس رحمته علیه حرف بزنم؛ منتهی الان که علی الظاهر خادم مدرسه آیت الله حق شناس رحمته علیه هستم، وظیفه است که در مورد ایشان صحبت کنم. واقعاً ایشان از چنان عظمتی برخوردار هستند که به سختی می توان در مورد ایشان چیزی بیان کرد.

داخل روایات بیان شده است که فاصله عالم ربانی با نبی یک درجه است. در بعضی از روایات، یک درجه ای که در بین ما

مصطلح شده است را ذکر کرده اند که آن اینست که **علماء، تالی تلو معصوم هستند. البته دارای درجاتی هم هستند**

**و همه آن ها داخل یک درجه نیستند و درجات مختلفی دارند. حال ما از اهلش و بزرگان شنیده ایم و شواهد و**

**قرائنی را دیده ایم که واقعاً حاج آقا حق شناس رحمته علیه یکی از سرآمدین علمای معاصر ما هستند.**

ایشان، هم در زمان حیات خود برکات فراوانی داشتند و شاگرد پروری کردند و انسان تربیت کردند و خب این علماء روزی هم از دنیا می روند؛ اما در روایات داریم که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «الْعُلَمَاءُ بَأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الْكَهْرُ» (نهج البلاغه حکمت ۱۴۷)

این عزیزان باقی هستند. نفسشان، آثارشان، برکاتشان، همگی باقی است و برای ما مشهود است.

و الحمدالله شاگردان و ارادتمندان ایشان وظیفه خودشان را می دانستند که نام ایشان را زنده نگه دارند و آثار ایشان را زنده نگه دارند و آن ارتباط را با ایشان قطع نکنند که الحمدالله این ها باقی مانده است.

**الحمدالله آثار مکتوبی هم از ایشان داریم که همین**

**صوت ها را پیاده کردند و حال در غالب چهار جلد «مواظع»**

که حاج آقا جاودان رحمته علیه زحمتش را کشیده اند و آثار دیگری مثل «ز ملک تا ملکوت» که دیگر دوستان زحمتش را کشیده اند یا اخیراً این فرمایشات به صورت دو جلد کتاب چاپ شده است که صحبت های حاج آقا رحمته علیه به صورت موضوع بندی در آن کار شده است که این کتاب تحت عنوان «اخلاق» می باشد. این دست به دامن بودن طلبه ها نسبت به حاج آقا رحمته علیه ادامه هم دارد؛ مثلاً سر مزار ایشان رفتن، سوره یس خواندن، صلوات فرستادن و به ایشان هدیه کردن و مسایلی از این قبیل که این ادامه هم دارد. این ارتباط از اموری است که حال به تأییری لایدرک ولا یوصف شده است و واقعاً آدم می بیند ولی نمی تواند درک بکند و توصیفش کند.

● **عظمت شخصیتی حاج آقای حق شناس رحمته علیه در چه درجه ای بوده است؟**

ببینید، راجع به عظمت مؤمنین بسیار روایت داریم. هم برای خود مؤمنین و هم راجع به عظمت علمای مؤمنین، خیلی روایت داریم و این روایات ما را مستغنی می کند از اینکه بخواهیم از مطالب دیگری استفاده بکنیم. واقعاً مؤمن عظمتش از کعبه نیز بالاتر است. در روایت از امام صادق علیه السلام داریم که فرمودند:

«المؤمن أعظم حرمة من الكعبة» (الخصال ج ۲۷ ص ۹۵).

واقعاً مؤمن عظمت بالایی دارد. چه کسی می تواند مؤمن را توصیف بکند. شما روایاتی که در بحث مؤمن ذکر می کنید را ببینید. جای دوری هم نروید؛ همین اصول کافی، باب ایمان و کفر را ببینید. اصلاً انسان از مقام و درجه مؤمن متحیر می شود یا مثلاً راجع به علمای مؤمن، بعضی از روایات ما آن قدر مسئله را بالا بردند که تعجب انگیز است.

من این روایت را اولین بار از حضرت آیت الله مصباح یزدی رحمته علیه شنیدم که **ساعتی نشستن در مجلس عالم، از پانزده هزار مرتبه ختم قرآن بالاتر است.**

خب این عظمت عالم ربانی را نشان می دهد، عظمت هم نشینی با عالم ربانی را نشان می دهد یا مثلاً خود مرحوم حاج آقا رحمته علیه روایت

من جمله کار خودمان در مدرسه که یک برنامه ای داریم برای بزرگداشت علمای ربانی و در هر فصل، بزرگداشت یک عالم ربانی است.

ما سعی می کنیم که این بزرگداشت به گونه ای باشد که طلاب با آن عالم، داخل آن ایام، زندگی کنند.

ما هم وظیفه خودمان می دانیم که در مدرسه، سالی یک مرتبه، تابستانمان را اختصاص بدهیم به شخصیت برجسته مرحوم حاج آقا رحمته علیه که طلبه های مدرسه مان در ادوار مختلفی که در تابستان حضور دارند - اقلان پنج تا تابستان - حداقل پنج بار راجع به شخصیت ایشان، کار بکنند که الحمدالله الان در غالب طرحی با عنوان داداش جون که تیکه کلام مرحوم حاج آقا رحمته علیه بود، دارد برگزار می شود و بچه ها این ارتباط را برقرار می کنند.

واقعاً ارتباط داشتن با این علمای ربانی، آثار و برکات زیادی در زندگی انسان دارد.

این مطلبی که حضرت آقا رحمته علیه در منزل آقای خوشوقت فرمودند که علماء وقتی از دنیا می روند دستشان بازتر می شود و ارتباط برقرار کردن با آن ها راحت تر می شود، نکته مهمی است. حضرت آقا رحمته علیه توصیه هم کرده اند که ارادتمندان این بزرگواران، ارتباطشان را با این علماء قطع نکنند. همین الان دوستانی هستند که خیلی مواقع به مناسبت های مختلف، یک سوره یس تقدیم به مادر امام زمان علیه السلام و حاج آقا حق شناس رحمته علیه می کنند و حاجت می گیرند. این علماء دستشان باز است و با دعا کردن از طریق آن ها، یقیناً خیلی از مسایل حل می شود و به نتیجه می رسد. الحمدالله طلبه های ما با حاج آقا حق شناس رحمته علیه ارتباط خوبی دارند و از آثار و برکات ایشان استفاده می کنند.

**خب یک سری آثار صوتی از مرحوم حاج آقا رحمته علیه مانده است که برکات زیادی دارد و بعضی از دوستان ما، کراراً این صوت ها را گوش می دهند. شاید بعضی از دوستان، بارها و بارها این صوت ها را گوش کرده اند.** الحمدالله داخل طلبه های مدرسه این ارتباط با آثار حاج آقا رحمته علیه، همچنان برقرار است.

می خواندند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَشْجِدَ خَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالَمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُضْحَكٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعُتْبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ (کافی ج ۲ ص ۶۱۳)؛ یعنی: سه شخص به خداوند فردای قیامت شکایت می کنند: اول آن قرآنی که مورد استفاده واقع نمی شود و غبار بر روی آن می نشیند.

دوم مسجدی که کسی به آن مسجد برای نماز و عبادت نمی رود. سوم هم عالمی که بین جاهل هاست.

ببینید آن قدر عالم عظمت دارد که اگر از او استفاده نشود، فردای قیامت به خداوند تعالی شکایت می کند.

خب عظمت مؤمن و به خصوص عظمت علمای مؤمنین، خیلی بالا است. البته همه علماء هم دارای یک درجه نیستند.

در روایتی داریم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند:

«النَّظْرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ (بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۹۵)؛ از آقا امام صادق علیه السلام پرسیدند که آیا این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را می شود توضیح دهید؟

حضرت فرمودند که آن عالمی مد نظر است که وقتی او را می بینید، شما را یاد آخرت می اندازد. حاج آقای حق شناس رحمته علیه شخصی بود که وقتی او را می دیدی، واقعاً یاد آخرت می افتادی. امروز هم که سر مزار ایشان می روی یا از آثار ایشان بهره مند می شود، واقعاً همین گونه است. آن ها عظمتشان واقعاً بسیار است.

حال می گویم که آیات و روایات آدم را مستغنی می کند از اینکه بخواهد مطالب دیگری بگوید، منتهی به قول اساتید معظمان، گاهی اوقات اگر به عنوان مؤید، یک داستانی یا یک رؤیای صادقه ای را راجع به این علماء بیان کنیم، این هم خالی از لطف نیست؛ من به نقل یکی از علمای بزرگ شنیده بودم که ایشان فرموده بودند که خواب یکی از علمای معاصر ما که از دنیا رفته بودند را دیده بودند و از ایشان پرسیده بودند راجع به علامه عسکری رحمته علیه و گفته بودند:

از علامه عسکری رحمته علیه چه خبر؟ آن عالم گفته بودند که علامه عسکری رحمته علیه جلوه ای از جلوات امیرالمومنین علیه السلام شده اند؛ خب ایشان تمام زندگیشان را برای اثبات امامت امیرالمومنین علیه السلام و حقانیت امیرالمومنین علیه السلام گذاشتند. علامه عسکری رحمته علیه فانی در مولا بودند؛ اما بعد از این سوال، از حاج آقای حق شناس رحمته علیه سوال کرده بودند و گفته بودند که از حاج آقای حق شناس رحمته علیه چه خبر؟ آن عالم فرموده بودند که ایشان خیلی وضعشان خوب است و خیلی عظمتشان بالا است و ما اصلاً از ایشان خبری نداریم؛ ایشان خیلی بالا هستند.

خب این ها هم در این زمینه مؤیداتی هستند. این رویای صادقه



مؤیدی بر آیات و روایات ماست. بحث راجع به عالم برزخ و عالم آخرت در روایات ما کم نیست و فراوان آیات و روایت درباره این موارد داریم که این رؤیاهای صادقه مؤیداتی بر این آیات و روایات هستند. خدا رحمت کند آیت الله ری شهری رحمته علیه را که یک کتاب دارند درباره بهشت و جهنم در قرآن و حدیث که دو جلد است. شما بروید کتاب ایشان را بخوانید که یکی از مطالب آن در مورد بهشت است.

عظمت بهشت را که در این روایات می بیند، می فهمید که این خواب ها یا رؤیاهای صادقه، همان مؤید آیات و روایات ما است. این علماء آینه ای بر آیات و روایات هستند.

عظمت حاج آقای حق شناس رحمته علیه اینگونه است.

در بعضی از روایات کتاب شریف کافی داریم که مؤمن قابل درک نیست. ما راجع به خداوند داریم که ایشان را نمی توانید بشناسید؛ در مورد امام معصوم هم داریم که شما نمی توانید او را بشناسید و اوج شناخت معصوم این است که به درجه ای برسیم که بفهمیم



ما نمی توانیم او را بشناسیم و خب راجع به مؤمن و عالم ربانی نیز هم چنان تعبیری را داریم که مؤمن نیز قابل شناخت نیست. مؤمن عظمت زیادی دارد.

چه کسی می تواند مؤمن واقعی را بشناسد. این عظمت مؤمن واقعی است.

### روش سلوکی و تربیتی حاج آقای حق شناس رحمته علیه برای طلاب چگونه است؟

خدمت شما عرض کنم که روش سلوکی ایشان را باید بزرگان بگویند و ما اصلاً نمی توانیم در مورد این موارد حرف بزنیم؛ اما من آن چیزی که از بزرگان شنیدم را خدمت شما عرض می کنم.

### اساتید ما به ما یاد دادند که نگوئیم مبانی این عالم و مبانی آن عالم.

بعضی از اساتید ما نهی کردند و فرمودند:

این حرف ها حرف اشتباهی است. ما نباید بگوئیم مبانی فلان عالم. مثلاً شخصی مثل حاج آقای حق شناس رحمته علیه مبانی و روشی ندارند و حاج آقا رحمته علیه همان چیزی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است را بیان می فرمایند.

### روش تربیتی و سلوکی آیت الله حق شناس رحمته علیه همان روش تربیتی و سلوکی قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.

علمای ربانی ما مبتنی بر قرآن و روایات جلو می روند و چیز دیگری در کار نیست. مکتب اهل بیت علیهم السلام و روش تربیتی اهل بیت علیهم السلام مهم است. شما آثار مرحوم حاج آقا رحمته علیه را ببینید. ایشان می فرمودند:

کلاس اول انجام واجبات و ترک محرمات،

کلاس دوم ترک مشتهات و

کلاس سوم ترک ما سوی الله است.

شما تا دلتان بخواهد در این مورد، مبنای قرآنی و روایی داریم؛ لذا روش تربیتی حاج آقا رحمته علیه همان روش تربیتی قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.

### اُمّهات توصیه ها و فرمایشات حاج آقای حق شناس رحمته علیه در چه مواردی بوده است؟

جواب: یک مواقعی رفقا داخل مدرسه یک پوستری را برای نمایشگاه مدرسه آماده کردند و در همان تقریباً سر فصل هایی که کلید واژه های حاج آقا حق شناس رحمته علیه بود را ذکر کردند.

### یکی از توصیه هایی که ایشان خیلی بر آن تأکید می کردند، توصیه به علم و علم آموزی بود.

حاج آقا رحمته علیه به شدت تشویق می کردند که طلاب به دنبال علم باشند.

حاج آقا رحمته علیه روایتی را می خواندند که لقمان به پسرش گفت:

در شبانه روز، ساعتی را اختصاص به علم بده یا روایات متعددی را می خواندند که اف است برای کسی که در هفته یک بخشی را اختصاص به تفقه در دین ندهد.

این بحث کراراً در روایتی که ایشان نقل می فرمودند، وجود داشت. مثلاً یکی از احادیثی که می فرمودند این بود که امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهُهُ فِي الدِّينِ (کافی ج ۱ ص ۳۲)».

یا اینکه فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهُهُ فِي الدِّينِ وَالْهَمَّةُ تُشَدُّهُ (کنز العمال ج ۲۸۶۹۰)».

### یکی از نکاتی که داخل آثار ایشان می بینیم، اینست که ایشان توصیه کرده اند که حتماً با عالم در ارتباط باشیم؛ یا عالم باشید، یا متعلم باشید، یا مستمع باشید، یا محب اهل علم باشید؛ پنجمی نباشید که

هلاک خواهید شد. یکی از روایاتی که حاج آقا رحمته علیه بسیار می فرمودند این بود که امام سجاد علیه السلام فرمودند:

«هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ وَ ذَلَّ مَنْ لَيْسَ لَهُ سَفِيهُ يَعْضُدُهُ (بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۵۹)».

### حاج آقا رحمته علیه به مجلس موعظه خیلی عنایت داشتند و این قسمت فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام را خیلی می خواندند:

«أَخِي قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ (نامه ۳۱ نهج البلاغه)».

ایشان به موعظه خیلی توصیه داشتند. حاج آقا رحمته علیه خیلی اهل این بودند که حتماً آیات و روایات باید شنیده بشود.

روایت داریم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند:

«قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتِ حَرْبٍ (کنز العمال ج ۲۸۷۵۰)».

دلی که چیزی از حکمت داخلش نباشد، مانند خانه خراب است. حکمت هم در اینجا به معنای روایات اهل بیت علیهم السلام است. خلاصه حاج آقا رحمته علیه خیلی در این فضاها توصیه و سفارش می کردند.

به عبودیت و بندگی خیلی توصیه می کردند تعبیرشان این بود که می فرمودند:

### داداش جون نباید داخل کلاس اول درجا بزنی (انجام واجبات و ترک محرمات). کلاس دوم و سوم را هم باید بگذرانید.

### یکی از ویژگی ها و صفاتی که حاج آقا حق شناس رحمته علیه داشتند و به نظر تان برای طلاب مفید است، چیست؟

یک تعبیری شهید سید محمد باقر صدر رحمته علیه در مورد امام خمینی رحمته علیه می کند که ذوب در امام باشید، همان گونه که او ذوب در اسلام بود.

### راجع به مرحوم حاج آقا رحمته علیه باید گفت که واقعاً ایشان ذوب در اهل بیت علیهم السلام بودند. مثلاً ایشان اسم امام صادق علیه السلام را که می آوردند، اشک از چشمانشان جاری می شد.

این ذوب در اهل بیت علیهم السلام بودن ایشان بود.

همان اواخر که ما سال آخر عمر شریف ایشان را درک کردیم، باز یک حدیثی اگر می خواندند یا روضه ای اگر خوانده می شد، اشک از چشمانشان جاری می شد.

اهتمام خاصی هم به امام زمان عجل الله فرجه و حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام داشتند.

این ذوب در اهل بیت علیهم السلام بودن ایشان خیلی عجیب بود. ایشان یک عشق و علاقه و محبت عجیبی به اهل بیت علیهم السلام داشتند.

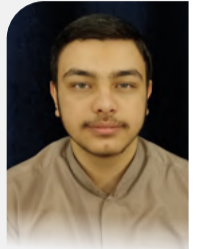
انشاء الله خداوند به همه ما توفیق بدهد که نام این شیعیان خُلص اهل بیت علیهم السلام را بلند مرتبه کنیم و بلند آوازه باشد.

«والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته»

مطالبی پیرامون شناخت جهات گوناگون شخصیت حضرت آیت الله امیرزا عبدالکریم حق شناس رحمته الله علیه

# دانش جوان

ششمین جلسه از سلسه بزرگداشت های علمای ربانی حضرت آیت الله امیرزا عبد الکریم حق شناس رحمته الله علیه



طلبه ارجمند میثم بهاری

**عنوان: شخصیت آیت الله حق شناس رحمته الله علیه از منظر شاگردان:**

## ● آیت الله حق شناس رحمته الله علیه به روایت آیت الله جاودان رحمته الله علیه:

خصوصیات ممتاز استاد بزرگ ما آیت الله حق شناس رحمته الله علیه زیاد است، ما به چند خصوصیت بارز در آن میان نظر می اندازیم. انجام حوائج مردم برای ایشان بسیار مهم، بلکه مهم ترین مشغولیت بود. عبادات مستحب خودشان را برای کار مردم و حاجت آنان، تعطیل یا مختصر می کردند؛ البته در حد مقدور، اینگونه کارهایشان پنهان بود و ما که تا حدی نزدیک به ایشان رفت و آمد می کردیم هم خبر نداشتیم. مثلاً بعدها خبردار شدیم که ایشان برای خانواده های زندانیان سیاسی، شبانه کمک می فرستادند و گاه حتی کارهای شاق به عهده می گرفتند که کسی از یک گرفتاری نجات پیدا کند. با یکی از دوستان چندین سال پیش در حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام بودیم. با تلفن همراه به منزل ایشان تلفن کرد و عرض کرد: الان من در مقابل ضریح مطهر هستم، چه کنم؟ فرمودند: دوستانت را دعا کن! و گویی این یک ورد بود بر زبان ایشان. در تمام دوران سخت جنگ، بمب باران و موشک باران، با اینکه تهران خالی شده بود، تهران را ترک نکرده و به مسجد می آمدند و دائم نگران مردم بودند. چندین بار برای رفع این بلاها، یک چله تمام زیارت عاشورا خواندند و شرایط و آداب سخت آن را عمل می کردند. البته هر بار با پایان دوران زیارت، حمله های هوایی و موشکی قطع می شد. در این اواخر برای پایان یافتن جنگ، یک دوره چهل روزه دیگر زیارت مبارک مزبور را خواندند و دو ماه به پایان جنگ فرمودند: تا دو ماه دیگر جنگ تمام است؛ و دو ماه بعد جنگ پایان یافت.

«عشق به مردم»، خصوصیت دیگر ایشان بود که واقعاً به آن اعتقاد داشتند. ایشان می فرمود: اینها خلق خدا هستند. خداوند خلقتش را دوست دارد. پس ما هم باید آن ها را دوست بداریم. چون کسی که کسی را دوست دارد، آثار او را هم دوست می دارد.

خصوصیت سوم، «احترام خاصی بود که ایشان نسبت به خانم ها رعایت می کردند»، یا به دیگران سفارش می کردند و اگر می دانستند کسی نسبت به همسرش بد رفتار می کند، بسیار خشم می کردند. نسبت به همسر بزرگوار خودشان نیز نهایت ادب و احترام را داشتند و می فرمودند: من کمال خود را در خدمت به خانم می دانم و خود را موظف می دانم که آن چه ایشان می خواهد را برایش فراهم کنم. بسیار کم اتفاق می افتاد که بدون ایشان به مسافرت بروند.

خصوصیت چهارم این بود که ایشان نسبت به گناه غیبت سخت حساس بودند. این خصیصه همه علمای اخلاق و اهل سیر و سلوک است. آن ها معتقدند به واسطه غیبت، همه اعمال آدمی بر باد می رود. در اوایل جوانی از کسی غیبت می شنوند و امکان پیدا نمی شود که از او دفاع کنند. ناگزیر بود که از غیبت شده حلالیت بطلبند. بنابراین به نزد او می روند و او حاضر نمی شود که حلال کند. ایشان می فرمودند: به گریه افتادم و حاضر بودم که دست و پای او را ببوسم تا اینکه مرا حلال کند. وقتی او این قدر اصرار

یکی ها را محضر حاج آقا رحمته الله علیه ببرند، به برکت این روضه خوانی به بنده می گفتند که آقا محمود شما هم تشریف بیارید و آخر جلسه شما روضه بخوان و وقتی ما هم روضه می خواندیم تمام عشقمان این بود که این گریه ای که حاج آقا رحمته الله علیه با این روضه می کنند برای ما نورانیت می آورد.

من خنده های حاج آقا رحمته الله علیه را یادم است و به خاطر دارم. این اواخر بیماری های سختی بر ایشان عارض شده بود که ایشان قرص های سنگینی را مصرف می کردند، اما گاهی که حالشان خوب بود، یک خنده هایی می کردند که اگر آدم غم عالم را در دلش داشت، غم عالم از دلش می رفت. در روایت داریم که لحظه ای در محضر عالم نشستن از دوازده هزار ختم قرآن بالاتر است. همین خنده ای که حاج آقا رحمته الله علیه می کردند بسیار درس بود. نوع نشستن ایشان درس بود. نوع حضور ایشان در جلسه درس بود. نوع سوال کردن های ایشان درس بود. حاج آقای میرهاشم رحمته الله علیه می فرمودند که برای هر حرکت و سکون علماء می شود یک روایت پیدا کرد.

روز عرفه بود و ما رفتیم پشت بام و من برای حاج آقا رحمته الله علیه یک دعای عرفه خواندم. اواخر عمر حاج آقا رحمته الله علیه شنوایی شان کم شده بود. من یک مقدار صدای بلند است، چون صدایم بلند بود، وقتی من دعا را می خواندم حاج آقا رحمته الله علیه می شنیدند و مشکلی نبود؛ اما کس دیگری هم آنجا بود که دعا را می خواند و صدایش بلند نبود و وقتی حاج آقا رحمته الله علیه صدای او را نمی شنیدند، ناراحتی می کردند و دوباره بنده دعا را می خواندم و آن روز تا آخر دعا را پیش می بردم.

## ● **ناگفته هایی از شخصیت آیت الله حق شناس رحمته الله علیه از زبان حجت الاسلام و المسلمین قاسمی:**

حاج آقا حق شناس رحمته الله علیه شکارچی قلب جوانان بودند. جوان ها را فوق العاده شیفته خودشان می کردند. آن اشخاصی که از لحاظ مادی ضعیف بودند هم نزد حاج آقا حق شناس رحمته الله علیه می آمدند و شیدای حاج آقا رحمته الله علیه می شدند. بچه پولدارهای در اوج رفاه هم وقتی حاج آقا رحمته الله علیه را می دیدند، شیفته او می شدند و این دیدار باعث تغییر زندگی آن ها می شد و انگار که آن ها وارد رودخانه ای شده بودند که می خواستند مسیری را طی کنند. از اشخاصی که در جلسات اخلاق حاج آقا رحمته الله علیه شرکت می کردند شنیده شده که وقتی در جلسات حاج آقا رحمته الله علیه شرکت می کردند، یک حرارتی در قلب آن ها ایجاد می شد که وقتی می خواستند از جلسه به منزل بازگردند، از شدت حرارت و حال خوب، دوست داشتند بال در بیاورند و پرواز کنند.

از دیگر ویژگی های بارز و تاثیرگذار ایشان، ادب ایشان بوده است؛ یعنی کسی که در محضر ایشان می نشست، به خاطر ادب ایشان نمی توانست مؤذّب نباشد.

«یا مُحْسِنُ قَدْ آتَاكَ الْمُسَىءُ، أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ أَنَا الْمُسِيءُ.»



طلبه ارجمند مهدی مستقیم

**عنوان: نماز جماعت برو، اما نماز شب نخوان!!!**

کار مهم شیطان این است که انسان را از یاد خداوند متعال به چیزهای دیگر مشغول کند؛ مثل خواب و خستگی و تنبلی و اینکه کارهای نادرست را به جای کارهای درست جا بزند و ما را گمراه کند. یکی از زمان هایی که انسان از مدت های دیگر به خدا نزدیک تر است، سحر و نماز شب است.

آیت الله حق شناس رحمته الله علیه در رابطه با وسوسه شیطان در نماز شب می فرمایند:

از همه شیاطین با قدرت تر، آن شیطانی است که در شب موظف است تا اشخاصی که می خواهند نماز شب بخوانند را وسوسه

**ادامه این مطلب در صفحه بعد موجود می باشد...**

و تواضع مرا دید، از من گذشت کرد. آیت الله حق شناس رحمته الله علیه اهل سلوک و همه وقت در مراقبه نفس خویش بود؛ اما این نکته جالب است که هیچگاه کارهای غریب از ایشان دیده نمی شد؛ مانند همه درس می خواند و مباحثه می کرد، درس می فرمود، نماز جماعت می خواند، برای مردم موعظه می کرد، تفسیر می گفت و مسأله و احکام شرعی تعلیم می داد، مشکلات مردم را حل می کرد و به کار آن ها رسیدگی می نمود، وجوه شرعی مردم را به جایی که باید، می رسانید، برای جوانان عقد ازدواج می خواند و... هیچ چیز ظاهراً غریبی در رفتار و اعمال ایشان دیده نمی شد و در واقع همه سیر و سلوک او از یک طرف به صبر در بلایا، امراض و مشکلات و از طرف دیگر به خدمت به خلق خدا بود و با همین راه و رسم به همه جا رسید و کامیاب شد.

سرانجام، استاد فرزانه ما، عبد صالح خداوند متعال، عالم جلیل القدر و استاد بزرگ اخلاق، حضرت آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس رحمته الله علیه، پس از عمری پر برکت، صبحگاه دوشنبه اول مرداد ماه ۱۳۸۶ شمسی مطابق با هشتم رجب الخیر ۱۴۲۸ قمری روی در نقاب خاک کشیده و روح مطهرش به سوی مقعد صدق، عند ملیک مقتدر، پرواز کرد.

## ● **ویژگی های خاص حاج آقا حق شناس رحمته الله علیه به روایت حجت الاسلام و المسلمین میرهاشم حسینی رحمته الله علیه:**

یکی از خصوصیات حاج آقا حق شناس رحمته الله علیه مراقبه و تقوای زبان زد ایشان بود و از ویژگی های دیگر حاج آقا رحمته الله علیه درس و مسئله دانی ایشان بود. کسانی که دور و ور حاج آقا رحمته الله علیه بودند، مسئله شرعی بلد بودند.

خدا حفظ کند آیت الله شبیری زنجانی رحمته الله علیه را که خود ایشان بیست دقیقه یا نیم ساعت برای من درباره حاج آقا حق شناس؟ ره صحبت کردند. درباره مراقبه ایشان که چقدر در بحث مراقبه عجیب بودند. یکی از اختصاصات حاج آقا رحمته الله علیه و چیزی که ایشان به آن معروف بودند، مقید بودن ایشان به نماز جماعت اول وقت بود.

## ● **خاطرات حجت الاسلام و المسلمین زرین پر رحمته الله علیه با حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه:**

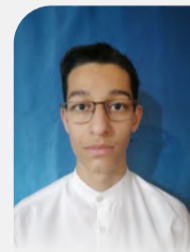
ما یک روز رفته بودیم نماز یکی از علمای ربّانی تهران، در نماز ایشان یک اشتباهی رخ داد و از ایشان یک اشتباهی سر زد. مثلاً اگر باید در رکعت دوم نماز پس از سجود تشهد را می خواندند، ایشان بلند شدند و تشهد را فراموش کردند. بعد آن نماز یک بحثی پیش آمد که مگر می شود عالم ربّانی در نمازش دچار اشتباه شود یا جزئی از نماز را فراموش کند. در آن جمع بعضی قائل به این بودند که خیر نمی شود عالم ربّانی در نماز دچار اشتباه شود. شب شد و ما رفتیم به منزل حاج آقا حق شناس رحمته الله علیه. بنده به آن کسی که قائل بود عالم ربّانی دچار اشتباه نمی شود گفتم که این مسئله را از حاج آقا حق شناس رحمته الله علیه بپرس و او هم رفت و از ایشان پرسید و ایشان فرمودند که بله می شود. عالم ربّانی هم در نمازش دچار اشتباه می شود و فقط معصوم است که در هیچ اموری دچار اشتباه نمی شود و از غیر معصوم و هر کسی ممکن است این اشتباهات سر بزند.

من به برکت روضه خوانی ای که داشتم، وقتی می خواستند پایه

کند. چطوری وسوسه می‌کند؟ خیلی استاد است؛ بعد از امام زمان عجل الله تعالی فرجه «أَعْلَمُ مَنْ فِي الْوُجُودِ» است. مثلاً وسوسه می‌کند که چه کسی می‌گوید نماز جماعت نرو؟ نماز جماعت برو، اول وقت هم برو! ولی نماز شب را نخوان! این را هم یک باره نمی‌گوید! بلکه اول می‌گوید: اولاً که نماز شب مستحب است! در ثانی تو مدیون مردمی و اگر شب نخوابی، سر کار خوابت می‌برد. یا طلبه هستی و باید درس بخوانی، اگر استراحت نکنی، درس هایت را نمی‌توانی بخوانی! ثالثاً، حفظ بدن واجب و لازم است؛ پس بخواب! پرده‌هایی که به او نمایش می‌دهد طوری است که اگر از هر فقیه‌ی بپرسید، می‌گوید: راست می‌گوید! اما دیگر نمی‌دانی که «إِنَّ اللَّهَ يَنْظُرُ بِالْأَشْحَابِ إِلَى قُلُوبِ الْمُتَّقِينَ»؛ یعنی: خدای متعال در سحرها به قلب‌های شما نظر می‌کند. با نماز شب شما را نورانی و منور می‌کند. پروردگار با نماز شب عمر شما را طولانی می‌کند. دیگر اینکه نماز شب چراغ قبر شما است. از این‌ها گذشته، رزق فردای شما را می‌رساند. شخصی خدمت امام صادق ع آمد و عرض کرد: «یابن رسول الله! چیزی به من بدهید.» کمک مالی می‌خواست. حضرت فرمود: «به نظرم، دیشب نماز شب نخوانده‌ای!» گفت: «خوانده‌ام یابن رسول الله!» گفت: «دروغ می‌گویی! اگر خوانده بودی، امروز دیگر محتاج به من نبودی!!!»



### طلبه ارجمند محمد رضا نعمتی



#### عنوان: باید عبد شد داداش جون

مرحوم حاج آقا رحمته بارها این مسئله مهم را توجه دادند که باید عبد شد... اصطلاح عبد که از سه حرف عین و باء و دال تشکیل شده است، هر کدام معنایی دارند.

عین یعنی این‌که به خدا بگویی اگر تا به حال فرمان تو را گوش نمی‌دادم و سرپیچی می‌کردم، از این به بعد به فرامین تو گوش و عمل می‌کنم.

باء اشاره به کلمه «بون» دارد و آن یعنی، از هر آنچه تو دوست نداری، دوری می‌کنم.

دال اشاره به کلمه «دنو» دارد. یعنی، علاوه بر اینکه از مبعادات تو دوری می‌جویم، وسیله مقربات به سوی تو را هم فراهم می‌کنم. حالا که معنای کلمه عبد کمی برایمان واضح شد، خوب است به این کلام امیرالمؤمنین ع درباره رابطه عبد با مولا توجه کنیم که فرمود:

«وَلَا تَتَّقِرْبْ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ (وسائل الشیعه ج ۱۵، ص ۲۳۴)؛»  
خب عبد یا بنده، وظیفه اش عبادت و بندگی است و این رابطه با مولا برقرار نمی‌شود مگر به وسیله طاعت. در واقع وسیله و ابزار ارتباط عبد با مولا، اطاعت از اوست.

در ادامه حضرت می‌فرمایند: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعاً لِلَّهِ تَنَفَعَهُ وَلَا يَتُّنَا وَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِياً لِلَّهِ لَمْ تَنَفَعَهُ وَلَا يَتُّنَا»؛ هرکس که مطیع خدا شد، ولایت ما برای او سود دارد و هرکس که عاصی شد، ولایت ما برای او سودی نخواهد داشت. پس به قول حاج آقا حق شناس رحمته فقط اظهار به ولایت و دوستی آل محمد ع برای عبد شدن کافی نیست داداش جون؛ بلکه باید مطیع بود...

خب حالا طاعت به چه معناست؟ طاعت این است که «دلَم می‌خواهد» را کنار بگذاری و دنبال خواسته مولایت باشی. کسی که می‌خواهد به مقام عبودیت برسد، باید فقط پروردگار عزیز را بپرستد «إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؛ یعنی: فقط تو را می‌پرستم و فقط از تو یاری می‌جویم.

مرحوم حاج آقا رحمته این روایت امام کاظم ع را بیان می‌فرمودند که حضرت فرمود: «...وَالطَّاعَةُ بِالْعِلْمِ...»؛ یعنی: طاعت پروردگار راه و روش دارد و باید از روی علم باشد. عبد باید بداند امر خدا چیست تا بتواند او را اطاعت کند.

### طلبه ارجمند محمد مهدی حمیدی



#### عنوان: راهکاری برای جلوگیری از گمراه شدن و فاسد شدن قلب

از بهترین هدیه‌هایی که یک مؤمن می‌تواند نسبت به برادر مؤمن خودش اهدا کند، آن حدیثی است که یا بر هدایت او بیافزاید، یا از غوایت و گمراهی او بکاهد. امیرالمؤمنین ع به فرزندشان امام حسن ع می‌فرمایند: حسن جان! «أَحْيِ قَلْبَ بِالْمَوْعِظَةِ».

اینکه ما کتاب اخلاق برداریم و بخوانیم کافی نیست؛ بلکه باید در مجالس علماء هم شرکت کنیم که مجالس علماء، همان مجالس ذکر است و اگر هم این نیز در دسترس ما نبود، از آثاری که علماء به جا گذاشته‌اند باید استفاده کنیم. مانند صوت‌ها یا آثار مکتوبی که از آن عالم باقی مانده است.

گاهی قلب انسان کسالت پیدا می‌کند و به همین دلیل هم باید از سرچشمه صافی قال الباقر ع و قال الصادق ع اشراب شویم.

امیرالمؤمنین ع می‌فرمایند:  
دل‌های شما، ملول می‌شود، چرک می‌گیرد، کسل می‌شود و در حجاب می‌رود؛ ولی با حکمت‌های ناب ما اهل بیت ع مشکلش بر طرف می‌شود.

پیامبر اکرم ص فرمودند:  
«إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرَيْنُ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ ، جِلَاؤُهَا الْحَدِيثُ»؛ یعنی: قلب‌ها زنگ می‌زند، آن وقت برای جلا دادنش باید به دنبال بیانات ما آل محمد ع باشی تا زنگ‌ها و مریضی‌هایش از بین برود!

در قرآن کریم آمده است که «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ راه مستقیم، تبعیت از خاندان عصمت است؛ چرا که فرمود: «بِنَا عُرِفَ اللَّهُ» و «لَوْلَا مَا عُرِفَ اللَّهُ»؛ یعنی: اگر ما نبودیم، خدا شناخته نمی‌شد.

برای اینکه جلوگیری کنیم از گمراه شدن و فاسد شدن قلب‌مان، نیاز به یک عالم ربانی همچون آیت الله حق شناس رحمته داریم که با ایشان انس بگیریم و به لطف امام زمان ع به راه مستقیم، هدایت پیدا می‌کنیم.

در ادامه فرمایشی از این عالم بزرگ می‌خوانیم:  
در روایت داریم که فرمود:

«لَا عِلْمَ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ رَبَّانِي»؛ ببین داداش جان، لقمان حکیم که پای منبرش حضرت داوود ع و سلیمان ع و دیگر انبیا به وجود می‌آمدند، به پسرش می‌فرمود:

«يَا بُنَيَّ، إِخْتَرِ الْمَجَالِسَ حَدِيثَ، عَلَيَّ عَيْتِكَ»؛ بعضی‌ها این عبارت را این طور معنا کردند که لقمان به پسرش فرمود:

مجالسی که می‌خواهی در آن‌ها شرکت کنی و وظایف اخلاقیات را یاد بگیری، از چشم‌عزیزتر است؛ لذا خیلی دقت کن! برای اینکه اگر گوینده کج سلیقه باشد، ممکن است برایت خرابی به بار آورد؛ مثلاً روایتی را اشتباه معنا کند و آن وقت به گمراهی خواهی افتاد.

لقمان در ادامه به فرزندش گفت:

«فَإِنْ رَأَيْتَ قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَاجْلِسْ مَعَهُمْ»؛ پس اگر دیدی که گروهی خدا را یاد می‌کنند، نزد آن‌ها بنشین.

«فَاتِّكُ إِذْ تَكُنُ عَالِمًا يَنْفَعُكَ عِلْمُكَ وَيَزِيدُكَ عِلْمًا»؛ چون اگر تو عالم باشی، در هم نشینی با آن‌ها، هم علم تو به کار می‌آید و هم آن‌ها به علم تو می‌افزایند.

«وَأِنْ يَكُنْ جَاهِلًا عِلْمُكَ وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَصِلَهُمْ بِرَحْمَةِ فَتَعَمَّكَ مَعَهُمْ»؛ و اگر هم جاهل باشی، آن‌ها به تو آموزش می‌دهند و از آن‌ها چیز یاد می‌گیری؛ به علاوه اینکه اگر خداوند متعال، سایه رحمتی بر آن‌ها بگسترده، این رحمت، تو را هم در بر می‌گیرد.

خدا رحمت کند حضرت آقای بهبهانی رحمته را که بعضی‌ها پشت سر ایشان صحبت‌هایی می‌کردند.

بعد از فوت ایشان، کتاب‌های ایشان را در معرض بیع گذاشته بودند که بنده هم رفتم و در میان کتاب‌های ایشان، کتابی راجع به خیارات مکاسب به قیمت سه تومان خریدم. بعد در عالم رؤیا دیدم که ایشان تقریباً در عرض آقای بروجردی رحمته وارد شد و بعد به آقای بروجردی رحمته رو کرد و فرمود:

«دیروز کتاب‌های ما را فروختند و ایشان کتاب خیارات مرا خریده است.»

ببین داداش جان! آن‌ها بیدارند و ما خوابیم. دیروز من رفتم کتابخانه، کتابی از کتاب‌های ایشان خریدم، ایشان فردا به آقای بروجردی اظهار کردند که کتاب مرا، به ایشان فروختند...!



بَابُ الْحَجِّ وَالزِّيَارَةِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا

فعالیت های حوزه علمیه آیت الله حق شناس رحمته الله علیه



حجت الاسلام محمد مهدی مسجدی



آیت الله حق شناس رحمته الله علیه، این حق را به ما شناساندند که «عظمت روحی حاصل از انجام وظیفه» مساوی با «تأثیر عمیق در عالم به طور گسترده» است.

#انجام-وظیفه  
#تأثیر-گذاری-عمیق

طلبه ارجمند رهام اکبرزاده



سراسر زندگی حضرت آیت الله حق شناس رحمته الله علیه سبب ازدیاد همت و شوق انسان در طی مسیر کمال و عبودیت است.

باید توجه داشت: «لَا نِجَاةَ إِلَّا مِنْ عَالِمِ الرَّبَّانِيِّ»؛ لذا اخلاص بی نظیر ایشان در اعمال و رفتار و ارتباط با مردم درس آموز تمامی جویندگان حق تعالی است.

#اخلاص-بی-نظیر  
#طی-مسیر-کمال  
#عالم-ربانی

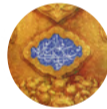
طلبه ارجمند محمد مهدی احمدی



سیره زندگی حاج آقای حق شناس رحمته الله علیه نمایشگر ثمرات و نتیجه انس با ابا عبد الله علیه السلام است.

#زیارت-عاشورا

طلبه ارجمند محمد مهدی حمیدی



مرحوم حاج آقا رحمته الله علیه می فرمودند «بنده وقتی به زیارت ثامن الحجج علیه السلام می روم از نظر روحی و مراقبت، مُحَرَّم می شوم مانند کسی که برای مکه محرم می شود».

#زیارت-ثامن-الحجج  
#مراقبت  
#مُحَرَّم

طلبه ارجمند علیرضا صادقی



آنچه که در مورد شخصیت عظیم این وجود پربرکت به ذهن می رسد این است که ایشان حقیقتاً حق شناس بودند. همین امر علتی برای تبدیل شدن به چنین شخصیت عظیمی می باشد.

#حق-شناس-حق-شناس

طلبه ارجمند محمد طاهر فتحی



نومید و مفلسیم و نداریم هیچکس نقد وجود داده به تاراج صد هوس نالان بگرد کعبه کوی تو چون جرس عصیان هزار عمر و گرفتار یک نفس لطفی کن ای کریم و بفریاد ما برس کز خلد بهشت لطف تو صد بار خوشتر است

#ای-کریم  
#گرفتار-یک-نفس

طلبه ارجمند سید مهدی هاشمی



حاج آقا حق شناس رحمته الله علیه مصداق بارز دو بال علم و معنویت بودند؛ خدا ان شاء الله به ما کمک کند که بتوانیم مثل وجود مقدس ایشان خدمت گزار حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم.

#دو-بال-علم-و-معنویت